

نامیدن تعلیق

برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی

تاریخی انتقادی در ایران

گروه نویسندگان:

روح‌الله اسلامی، صالح اولاد دمشقیه، مزدک تمجیدی، ابراهیم توفیق

امیر خراسانی، حسام‌الدین صفاری، فیروزه فروردین، نوید وزوایی

و سیدمهدی یوسفی

زیر نظر:

ابراهیم توفیق

ویراستار محتوایی:

سیدمهدی یوسفی

تاریخ انتقادی ۱-

چاپ اول - ۱۳۹۸

فهرست

- درباره‌ی مجموعه‌ی «تاریخ انتقادی» ۷
- مقدمه ۱۱
- فصل اول: محل نزاع و مرزهای کاوش** ۳۳
- تقریر محل نزاع ۳۵
- پرسش‌گری در مرزهای دانش ۵۴
- پرسش‌های مرزی نقادان جامعه‌شناسی تاریخی ۵۹
- مسأله‌ی امتناع ۵۹
- مرزهای نسبی کردن مسأله‌ی عقب‌ماندگی و پیش‌رفت ۸۰
- تاریخ‌نگاری‌های مرزی ۱۰۵
- به سوی مفهومی کردن مرزها ۱۳۱
- فصل دوم: امکانات مفهومی تاریخ لحظه‌ی حال** ۱۳۵
- مقدمه ۱۳۷
- شرق‌شناسی ایرانی و مطالعات پسااستعماری ۱۴۱
- رویکردهای مطالعات پسااستعماری به فردیت لحظه‌ی حال ۱۴۶
- بازخوانی پروژه‌ی شرق‌شناسی ۱۵۸
- پیوند گذشته‌ی شرق‌شناسانه و آینده‌ی جامعه‌شناختی ۱۶۴
- ری متقابل جامعه‌شناسی و شرق‌شناسی در چه زمینی ممکن می‌شود؟ ۱۶۶
- چگونه می‌توان دولت-ملت را به شیوه‌های غیرذات‌گرایانه بازخوانی کرد؟ ۱۷۱
- چگونه جامعه‌شناسی و شرق‌شناسی در تعلیق لحظه‌ی حال همکاری می‌کنند؟ ۱۸۱

تقریر محل نزاع

تقریر محل نزاعی که در پی می‌آید، طبعاً از چشم‌انداز پرسش مرکزی این برنامه‌ی تحقیق صورت‌بندی می‌شود: چگونه می‌توان تاریخ ایران را غیرشرق‌شناسانه نگاشت؟ این پرسش ناظر بر تاریخ به معنای گذشته‌های دور و «سپری» شده نیست، بلکه پرسشی است از نظم‌های چیره بر زندگی روزمره و از عقلانیت‌های ناظر بر این نظم‌ها؛ پرسشی است از «علل چنین بودن و... گونه‌ی دیگر نبودن» (وبر، ۱۳۸۲: ۱۱۶)؛ از تکینگی و «فردیت تاریخی» این نظم‌ها؛ پرسشی از لحظه‌های آغاز این نظم‌ها و از چگونگی هم‌نشینی آن‌ها؛ از «هم‌زمانی ناهم‌زمانی‌ها» (بلوخ، ۱۹۶۲؛ کوزلک، ۱۹۹۵) و توأمان، از شکنندگی و دگردیسی؛ از نقاط گسست و زایش این نظم‌ها. این پرسش به جبر پرسشی تاریخی-تبارشناختی است، تبارشناسی لحظه‌ی حال، تبارشناسی تاریخ اکنون. گرچه این پرسش، پرسشی است تجربی و برآمده از مواجهه با تقریرهای موجود از وضعیت

کنونی، اما به هیچ‌رو پرسشی تجربه‌باورانه نیست. ما به دنبال تدوین چارچوب نظری-مفهومی منسجم و مستدل‌تری نیستیم تا بتوانیم «واقعیت» را بهتر توضیح دهیم. زیرا معتقدیم، واقعیت به خودی خود در دسترس نیست، و همواره زبان، میانجی آن است، گرچه در آن منحل نمی‌شود و فاصله‌ای پرنشاندنی و پرتنش میان آن‌ها منبع تغییر دائمی و عموماً ناهم‌زمان هر دو است؛ منظور، زبان به معنای گسترده‌ی آن، به معنای همه‌ی بیان‌هایی است که تجربه‌ی واقعیت را به نوعی صورت‌بندی می‌کنند. در این تقریر محل نزاع، مسأله‌ی ما فرم بیانی علوم اجتماعی-تاریخی است؛ نه تنها به دلایل حرفه‌ای، بلکه از آن رو که این فرم بیانی، از آن‌جا که دست به مفهوم‌پردازی عالمانه‌ی واقعیت می‌زند، مدعی داوری نهایی درباره‌ی این است که واقعیت و تجربه‌ی متکثر آن چگونه باید خوانده شود، و به این معنا از توان اندراج و خنثاسازی دیگر فرم‌هایی برخوردار است که میانجی تجربه‌ی واقعیت هستند.

ادعای ما این است که نظام تولید دانش اجتماعی-تاریخی ما، لحظه‌ی حال را به گونه‌ای ترسیم و مفهوم‌پردازی می‌کند که نه تنها تبارشناسی تاریخی و انتقادی آن، به معنای بالا، بلکه هر گونه تلاش در جهت فهم، تحلیل و تبیین آن ناممکن می‌گردد. به بیان دیگر، این نظام، تفکر مفهومی درباره‌ی لحظه‌ی حال را از طریق به تعلیق در آوردن آن، ممتنع می‌سازد. همین گرایش یا به عبارت بهتر «عملکرد» است که ما آن را تعلیق لحظه‌ی حال نامیده‌ایم. این عملکرد، مشخصات و مؤلفه‌های معرفتی متعددی